

انتخاب گزینشی صنایع برای تحقق صادراتگرائی

مهدی رضائی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

گسترش صنعت

توسعه اقتصادی با شاخصهای مختلفی سنجیده می‌شود و چگونگی ارتقای سطح رفاه مردم را مورد توجه قرار می‌دهد. نظریات مختلف راجع به چیرستی توسعه اقتصادی، منجر به راهبردهای گوناگونی برای نیل به توسعه اقتصادی شده است که یکی از این راهبردها، راهبرد توسعه صنعتی است. سیاستگذاران در این راهبرد برای رسیدن به اهداف توسعه‌ای، جایگاه ویژه‌ای را برای بخش صنعت قائل‌اند. کشورها بر حسب شرایط اقتصادی- اجتماعی خود و نیز شرایط اقتصاد جهانی، سعی در رونق این بخش از طریق رویکردهای مختلف داشته‌اند؛ تقریباً تمامی اقتصادهای تازه‌صنعتی و کشورهای نوظهور، از رویکرد صادراتگرائی برای صنعتی‌شدن استفاده کرده و می‌کنند. در این رویکرد، سعی می‌شود تا با برنامه‌ریزی، مقدار نرخ رشد صادرات محصولات صنعتی به منظور بهبود سایر شاخصهای توسعه‌ای، نظیر اشتغال و رشد اقتصادی، افزایش یابد.

منابع مالی برای هر کشوری محدود است، این امر در مورد کشورهای در حال توسعه دارای صادرات تک‌محصولی و مواجه با محدودیت منابع ارزی چشمگیرتر است. بنابراین بیشتر نظریات اقتصادی پیشنهاد می‌کنند تا بجای هدفگذاری تمام صنایع، تنها برخی از آنها برای سرمایه‌گذاری و تشویق صادرات، مدنظر قرار گیرند. بر این اساس، از برنامه سوم توسعه اقتصادی- اجتماعی به بعد، صادرات گر و تشویق صادرات محور سیاست‌های اقتصادی ایران قرار گرفت و همچنان در برنامه پنجم توسعه نیز به این امر، توجه ویژه‌ای شده است.

یکی از ابزارهای گزینش صنایع برای سرمایه‌گذاری در جهت تشویق صادرات، سنجش و اندازه‌گیری شاخص «مزیت نسبی صادراتی» آنها می‌باشد. این شاخص سهم نسبی صادرات هر محصول در یک کشور را نسبت به کل صادرات جهانی آن محصول نشان می‌دهد. به طور طبیعی، ایران در محصولاتی که از نفت خام و فراورده‌های آن و مواد معدنی بعنوان مواد اولیه تولید استفاده و ایجاد ارزش افزوده می‌کنند، مزیت نسبی دارد. اما نمی‌توان تنها به این شاخص برای هدفگذاری صنایع اکتفاء نمود و بر این اساس، منابع مالی را به سمت آنها سوق داد؛ بلکه می‌باید سایر مولفه‌ها را نیز در نظر داشت. نظریه پردازان اقتصادی معتقدند که در کنار مزیت نسبی یک محصول، سهم آن محصول در صادرات جهانی و رشد صادرات جهانی آن نیز مهم می‌باشد. بر این اساس، ضمن اینکه ایران در صادرات محصولات حاصل از فعالیت‌های صنعتی «تولید فراورده‌های نفتی تصفیه شده»، «تولید مواد شیمیایی اساسی بجز کود و ترکیبات ازت»، «تولید مواد

پلاستیکی به شکل اولیه و ساخت لاستیک مصنوعی»، «تولید فلزات اساسی گرانبها و فلزات اساسی غیر آهنی»، مزیت نسبی در صادرات دارد، سهم محصولات این فعالیتها در کل صادرات جهانی و نیز نرخ رشد صادرات این محصولات در سطح جهانی طی چند سال اخیر بالا بوده است.

بنابراین برای موفقیت برنامه‌های مشوق صادرات در ایران، باید برای این چهار صنعت جایگاه ویژه‌ای قائل شد و این چهار فعالیت را در رتبه‌های نخست هدف‌گذاری تامین مالی برای افزایش تولید و صادرات قرار داد. منابع مالی و ارزی برای هر کشوری از جمله ایران محدود است و سیاست‌گذاری عقلانی حکم می‌کند که بر اساس شاخص‌های مناسب، سرمایه‌گذاری را به سمت صنایعی که در نیل به اهداف توسعه‌ای ایران موثرند، سوق داد. آمار و ارقام حاکی از آن است که مسئولان سیاست‌گذاری اقتصادی کشور، از این موضوع تبعیت کرده و به رونق این صنایع، همت گمارده‌اند. نرخ رشد صادرات ایران در محصولات تولیدی این صنایع طی سالهای گذشته نسبت به سایر فعالیتها بالا بوده است، به نحویکه نرخ رشد متوسط سالیانه صادرات محصولات چهار فعالیت صنعتی «تولید فراورده‌های نفتی تصفیه شده»، «تولید مواد شیمیایی اساسی بجز کود و ترکیبات ازت»، «تولید مواد پلاستیکی به شکل اولیه و ساخت لاستیک مصنوعی»، «تولید فلزات اساسی گرانبها و فلزات اساسی غیر آهنی»، طی ۱۳۹۰-۱۳۸۷ به ترتیب ۳۴/۲، ۹/۲، ۴۴/۱ و ۲۲/۸ درصد بوده است.

باید توجه کرد که تامین مالی پروژه‌های صنعتی موثر در اهداف صادرات‌گرائی، ابزار لازم و کافی نیل به این اهداف نیستند، بلکه سایر ابزارها و تمهیدات، حتی ممکن است نقش مهمتری را در این وادی ایفاء نمایند از جمله می‌توان به راهکارهای نظیر بهبود محیط کسب و کار، کنترل تورم، تثبیت نوسانات نرخ ارز و بهبود زیرساختهای و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی. تجربیات کشورهای موفق صنعتی، اعم از آنهایی که رویکرد تشویق صادرات را پی گرفتند و یا آنهایی که جانشینی واردات را برگزیدند، نشان می‌دهد که قبل از هر اقدامی برای هدف‌گذاری صنایع، می‌باید مخاطرات اقتصادی را کاهش داد و در کنار تامین مالی طرح‌های صنعتی اولویت‌دار، از مشارکت خارجی برای ارتقاء سطح فناوری و پر کردن خلاء ارزی برای انجام پروژه‌های صنعتی، استفاده کرد.